

## تجلی آیات و احادیث و روایات اسلامی در اشعار منوچهری

### سیداحمد حسینی کازرونی

«دیوان منوچهری حکایت از موارد متعدد تلمیحات و اشارات شاعر به آیات قرآنی دارد. در یک استقصای نه چندان دقیق، منوچهری در ۴۳ مورد از دیوان خود به آیات قرآنی نظر داشته است و این خارج از موارد اشاره او به اسرائیلیات و عناصر سامی است. و نیز متجاوز از ۱۲ مورد اشاراتی است که به احادیث نبوی در اشعارش دیده می‌شود. با این همه نمی‌تواند در او رسوخی را از این بابت نشان دهد، زیرا اشعارش او را در حلال و حرام دین به غایت بی‌مبادلات و گستاخ نشان می‌دهد.»<sup>(۱)</sup>

#### آیه‌الکرسی

به حق کرسی و حق آیه‌الکرسی که نخسبیده شی در بر من نفسی<sup>(۲)</sup>  
آیه‌الکرسی: مراد آیه: «الله لا اله الا هو الحی القيوم... و هو العلی العظیم» است.<sup>(۳)</sup>

#### الحمد (نام سوره)

چنان چون کودکان از پیش الحمد بیاموزند ابجد را و کلمن<sup>(۴)</sup>  
این بیت به دنبال بیت زیر است که در وصف ممدوح آمده و می‌گوید:  
زنان دشمنان از پیش ضربت بیاموزند الحان‌های شیون  
و منظور این است که زنان دشمنان تو (پس از کشته شدن شوهرانشان) (آهنگ) لحن

شیون و عزاداری را می‌آموزند یعنی شوهرانشان کشته می‌شوند و آنان به عزا می‌نشینند و مرثیه می‌خوانند.  
در بیت دوم این زنان را که شیون می‌کنند به کودکانی تشبیه می‌کند که اول بار نزد استاد خود سوره الحمد می‌خوانند و حروف آن را تهجی می‌کنند.

#### احمد مرسل

ور عطا دادن به شعر شاعران بودی فسوس احمد مرسل ندادی کعب را هدیه ردی<sup>(۱)</sup>  
احمد مرسل: مراد پیامبر اکرم (ص) است. کعب: کعب بن زهیر (وفات ۲۴هـ.ق) از اهل نجد، وی در جاهلیت شهرت پیدا کرد و چون اسلام ظاهرگشت به هجو پیامبر اکرم پرداخت. پیغمبر خون او را مباح فرمود. کعب از در عذرخواهی آمد و قصیده لامیه مشهور خود را ساخت. پیامبر عذر وی را پذیرفت و او را ردایی هدیه داد. نقل است که این جامه (برده) مقدس را بعدها معاویه از خاندان کعب خریداری کرد و پیوسته دست به دست خلفای اموی و عباسی می‌گشت تا سرانجام به خلفای عثمانی رسید.

#### اهل شیعه - اصحاب نینوا

چون اهل شیعه بر سر اصحاب نینوی<sup>(۲)</sup>  
قمری که آوازی حزین دارد به پیروان و طرفداران شیعه تشبیه شده که در سوگ عزیزان نینوا (کریلا) نوحه سرایی می‌کنند.

#### حمیم و غساق

وگر اجزای جودش را گذر باشد به دوزخ بر گلاب و شهد گرداند حمیمش را و غساقش  
حمیم و غساق مأخوذ است از آیه لا یدوقون فیها برداً و لا شریاً الا جمیعاً و غساقاً<sup>(۳)</sup>.

#### حجاج

۱- امامی، نصرالله. ادوار زندگی و آفرینش‌های هنری، (منوچهری دامغانی). ص ۵۱.

۲- دیوان منوچهری، ص ۲۰۴.

۳- قرآن کریم. سوره بقره. آیه ۲۵۶.

۴- دیوان منوچهری. ص ۸۸.

۱- همان منبع. ص ۱۳۱.

۲- همان منبع. ص ۱۳۴.

۳- قرآن کریم. سوره النبا. آیه ۲۴-۲۵.

چو بر ایشان به سر آمد شب معراجی رزبان آمد، تازنده چو حجاجی<sup>(۱)</sup>  
حجاج بن یوسف الحکم ثقفی (متولد سال ۴۵ هجری) از سرداران خونریز و  
خطبای نامی است. وی در جوانی به خدمت روح بن زیناع از یاران عبدالملک  
رسید و سپس به خدمت عبدالملک پیوست و به حکومت عراق و خراسان مأمور  
گشت. شهرت اولیه حجاج به سبب فتح مکه و جنگ اوست با عبدالله زبیر. فوت  
وی در شهر واسط سال ۹۵ هجری اتفاق افتاده است. بیت در وصف رز و  
شرابگیری است از مسمط یازدهم منوچهری در تهنیت جشن مهرگان.

### حوران

شوی ناکرده چو حوران جنان باشی نه چنان پیرزنان و گهنان باشی<sup>(۲)</sup>  
حور: زن سیاه چشم، زن بهشتی، در جای دیگر گوید:  
چشم حورا چون شود شوریده رضوان بهشت خاک پایش توتیای دیده حورا کند<sup>(۳)</sup>

### چشمه زمزم

یکی چون چشمه زمزم دوم چون زهره زهرا  
سیم چون روضه رضوان، چهارم جنت المأوی<sup>(۴)</sup>  
شاعر در مدح ممدوح خود می گوید و با توجه به بیت قبل روی ممدوح را در پاکتی  
به چشمه زمزم و فعل خوب او را مانند روضه رضوان می داند. زمزم نام چشمه ای  
است در مسجد الحرام در مکه. روضه رضوان (باغ بهشت). جنت المأوی یکی از  
بهشت های هشتگانه.

### خلد مخلد

وقت بهارست و وقت ورد مؤرد گیتی آراسته چو خلد مخلد<sup>(۵)</sup>

در این بیت گیتی به بهشت جاودان در سرسبزی و دوام تشبیه شده است. در جای  
دیگر گوید:

رای موافق و نیت و اعتقاد او عالم بسان خلد مخلد کند همی<sup>(۱)</sup>

### خناس

جست از جایگه آنگاه چو خناسی هوس اندر سر و اندر دل وسواسی<sup>(۲)</sup>  
این بیت با توجه به کلمه خنّاس به آیه ۴ از سوره ناس اشاره دارد.  
من شرالوسواس الخناس در تصویری دیگر گوید:

خدای عز و جل از تنش بگرداند مکاره دو جهان و وساوس خناس<sup>(۳)</sup>

### روز قیامت

گر روز قیامت برد ایزد به بهشتم جوی می پر خواهم از ذوالمنن من<sup>(۴)</sup>  
روز قیامت: روز رستاخیز. ذوالمنن: دارای نعمت ها، خداوند عطاها و احسانها.

### زبانی - دوزخ

جهانداری که هر گه کو برآرد تیغ هندی را زبانی را به دوزخ در پیچد ساق بر ساقش  
زبانی: وکیل دوزخ. موکل آتش

دوزخ: در آیین زردشتی جایی است در جهان دیگر که در آنجا گناهکاران جزای  
کارهای بد خود را ببینند و آن محلی است سخت عمیق همچون بسیار تاریک و  
سرد، دارای دمه و متعفن، جانوران موذی به تشبیه بدکاران مشغولند.<sup>(۵)</sup>

### سبحان الذی اسری

گل زرد و گل خیری و بید و باد شبگیری ز فردوس آمدند امروز سبحان الذی اسری<sup>(۶)</sup>  
اشاره است به آیه سبحان الذی اسری بعیده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی

۱- همان منبع، ص ۱۳۷. ۲- همان منبع، ص ۲۰۵.

۳- همان منبع، ص ۵۷. ۴- همان منبع، ص ۷۸.

۵- فرهنگ فارسی معین. ۶- دیوان منوچهری، ص ۱۲۳.

۱- دیوان منوچهری، ص ۲۰۶. ۲- همان منبع، ص ۲۰۴.

۳- همان منبع، ص ۲۵. ۴- همان منبع، ص ۱۲۵.

۵- همان منبع، ص ۲۲.

بارکنا حوله لنزیه من آیاتنا انه هو السميع البصير. (۱)

### طوبی

چو طوبی گشت شاخ بید و شاخ سرو و نوژ و گل نشسته ارغنون سازان به زیر سایه طوبی (۲)  
طوبی، نام درختی در بهشت است.

در این تصویر شاخ بید و سرو به طوبی تشبیه شده است. ارغنون ساز، ارغنون نواز:  
سازکننده و نوازنده ارغنون. در بیت دیگر گوید:

ملك مسعود بن محمود بن ناصر لدين الله که رضوان زینت طوبی نزد، از بوی اخلاقی  
در ترکیب بوی اخلاق در بیت اخیر حس آمیزی وجود دارد یعنی اخلاق از راه  
بویایی حس نمی شود و اخلاق بو ندارد.

### طی

ماند به ساعتی ز یکی روز خشم تو آن روز کاسمان بنوردند همچو طی (۳)  
اشاره دارد به آیه: يوم نظوى السماء كطى السجل للكتب كما بدانا اول خلق نعبده و عداء علينا  
انا كنا فاعلين. (۴)

### کاف و نون

آنکه چون او ننموده ست شهی چرخ کیان هر چه از کاف و نون ایدر کرده ست عیان (۵)  
اشاره به آیه ۱۷ از سوره بقره بديع السموات والارض و اذا قضى امر ۳ فانما يقول له كن  
فيكون.

او آفریننده آسمان و زمین است و چون اراده آفرینش چیزی کند به محض آنکه  
گوید موجود باش، فوراً موجود می شود.

### کلک فرو ایستاد

رفته و فرمودنی، مانده و فرسودنی بود همه بودنی، کلک فرو ایستاد  
اشاره به حدیث جف القلم بما هو كائن الى يوم الدين است.

### لیلة القدر

بارنگ و نگار جنت العدنی با نور و ضیاء لیلة القدری (۱)

لیلة القدر: شب قدر که شب مبارکی است و در آخر هفته ماه رمضان واقع می شود و  
در قرآن ستوده شده. لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر از هزار ماه است.  
جنت العدن: بهشت جاودان. بیت در وصف بهار است. شاعر می گوید: ای تازه بهار،  
تو به رنگ و جلوه بهشت هستی و به روشنی و زیبایی شب قدر می باشی.

### ماء معین

شعر من ماء معین و شعر تو ماء حمیم کس خورد ماء حمیمی تا بود ماء معین؟ (۲)  
ماء معین: آب جاری و روشن. مأخوذ از قرآن کریم: قل ارايتم ان اصبح مأوكم غوراً ممن  
بماء معین. (۳)

ماء حمیم: مأخوذ از آیه لهم شراب من ماء حمیم (۴)  
کلمه حمیم در قرآن اصلاً به معنی آب گرم است.

### من و سلوی

یکی طعم غسل دارد، دوم شیرینی شکر سدیگر لذت من و چهارم خوشی سلوی (۵)  
من و سلوی اره دارد به آیه: و انزلنا عليكم المن والسلوی.

من: قسمتی از شیره چسبناک از درختی که در شبه جزیره سینا پیدا می شود و  
خوراک بنی اسرائیل بود.

سلوی: نام پرنده ای از قسم دراج که در شبه جزیره سینا پیدا در فصل معین پیدا

۲- همان منبع. ص ۹۰.

۱- همان منبع. ص ۱۸.

۴- همان منبع. سوره ۶۰. آیه ۷۰.

۳- قرآن کریم. سوره ۶۷. آیه ۳۰.

۵- دیوان منوچهری. ص ۱۲۶.

۲- دیوان منوچهری. ص ۱۲۴.

۱- قرآن کریم. سوره الاسری. آیه ۱.

۴- قرآن کریم. سوره الانبیاء. آیه ۱۰۴.

۳- همان منبع. ص ۱۳۵.

۵- همان منبع. ص ۱۶۹.

می شود. (۱)

## مسجد - مؤذن - نماز

بوستان چون مسجد و شاخ بنفشه در رکوع فاخته چون مؤذنی و آواز او بانگ نماز (۲)  
بوستان به مسجد تشبیه شده تا در آن بنفشه در رکوع باشد. (اشاره به خمیدگی گل  
بنفشه) و آواز فاخته بر درخت چون نوای مؤذن در هنگام اذان باشد.

## ناکشته کشته

ناکشته کشته صفت روح قدس بود ناکشته کشته صفت این حیوان است  
ظاهراً مصراع اول اشاره است به آیه و ما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم (۳)

## هاویه

دشمنت را جویندگان جویند اندر دو مکان

در بند و چه در این جهان در آن جهان در هاویه (۴)

هاویه: جهنم. بیت در مدح ممدوح است. شاعر می گوید: دشمن تو در این جهان در  
چاه و زندان است و در سرای باقی در دوزخ جای دارد. در بیت دیگری در ستایش  
از ممدوح خود می گوید:

گر نسیم کرمش بر در دوزخ بجهد

هاویه خویتر از روضه رضوان گردد. (۵)

## اوضاع سیاسی و اجتماعی و حکومت‌های زمان منوچهری

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

سالهای زندگی ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد متخلص به منوچهری  
دامغانی (متوفی سال ۴۳۲ هجری) شاعر بزرگ نیمه اول قرن پنجم هجری مقارن با  
دوره حکومت فلک‌المعالی منوچهر پسر قابوس زیاری پادشاه آل زیار (زیاریان) بود  
که از سال ۴۰۳ تا ۴۲۴ هجری در گرگان و قومس (سمنان، دامغان، بسطام و نقاط  
تابعه آنها) و ری فرمانروائی داشت و زادگاه این شاعر توانا یعنی شهر دامغان در  
محدوده حکومت آل زیار (زیاریان) قرار داشت.

بطوری که نوشته‌اند منوچهری پس از پایان تحصیلات متداول زمان به جرجان  
پایتخت آل زیار رفت و در دربار نزدیکی و تعلق خاطر به این پادشاه تخلص شعری  
خود را از نام او "منوچهری" گرفت. ولی از مداخل منوچهری قصیده‌ای که در ابیات  
آن از این پادشاه مدح کرده باشد نیست فقط دو قصیده به عنوان اسپهبد منوچهر بن  
قابوس در دیوان اشعار او هست که در متن اشعار، نامی بطور صریح از وی نبرده  
است و احتمال داده می‌شود که پس از عزیمت او به غزنین این مداخل از دیوان  
اشعار وی حذف شده باشد و یا در اثر مرور زمان از بین رفته است.

دولت زیاریان (آل زیار) در اوایل قرن چهارم هجری بدست مردآویز (مردآویج) پسر  
زیارگیلی از مردم دیلمان در دوره حکومت امیر نصر سامانی هنگامی که بر سر  
تصرف طبرستان بین سامانیان و علویان کشمکش در کار بود تأسیس گردید. و از آن  
خاندان که همگی ایران‌دوست و پیرو آئین تشیع زیدی و درصدد برانداختن  
حکومت و سلطه خلفای عباسی و احیای استقلال و مجد و عظمت دیرینه ایران

۲- دیوان منوچهری. ص ۵۵.

۱- فرهنگ کامل لغات قرآن.

۴- همان منبع. ص ۱۰۱.

۳- قرآن کریم. سوره النساء. آیه ۵۶.

۵- همان منبع. ص ۲۱.